

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کلیه حقوق مادی و معنوی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و نوآوری‌های ناشی از تحقیق موضوع این پایان‌نامه/رساله متعلق به دانشگاه میبد است و هرگونه استفاده از نتایج علمی و عملی این اثر برای تولید دانش فنی، ثبت اختراع، ثبت اثر بدیع هنری و نیز چاپ و تکثیر، نسخه‌برداری، ترجمه و اقتباس و ارائه مقاله در سمینارها و مجلات علمی منوط به موافقت کتبی دانشگاه است.



دانشکده علوم انسانی

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

حقوق جزا و جرم‌شناسی

عنوان

ادله و عوامل رافع مسئولیت کیفری بیماران دوقطبی

استاد راهنما

دکتر حمید روستایی صدرآبادی

استاد مشاور

دکتر محمدرضا رحمت

پژوهش و نگارش

مریم بهاریه یزدی

آبان ۱۳۹۸

تقدیم

این پژوهش را تقدیم می‌کنم به محضر ارزشمند پدر و مادر عزیزم به خاطر همه ی تلاشها و تشویق های بی‌پایانشان در مسیرهای مختلف زندگی و تحصیل این حقیر و همچنین همسر عزیزم که همواره در این راه پشتیبان و حامی من بوده است.

شکر خدا که هر چه طلب کردم از خدا بر منتهای همت خود کامران شدم

با نهایت سپاس از سه وجود عزیز:

پدر و مادر عزیزتر از جانم که تحلیل رفتند تا من به تجلی برسم.

اساتید فرهیخته و فرزانه ام که برای من نور هدایتی بودند در این مسیر و سختی‌ها را

بر من آسانتر کردند. قطعاً بدون حضور ایشان مسیر تاریک، وهم آلود و نامشخص می‌نمود.

شناسه: پ/ک/۳	صورتجلسه دفاعیه پایان نامه دانشجوی دوره کارشناسی ارشد	 وزارت علوم، تحقیقات و فناوری سازمان اسناد و کتابخانه ملی مرکز اسناد و کتابخانه ملی
جلسه دفاعیه پایان نامه تحصیلی آقای/خانم مریم بهاریه یزدی دانشجوی کارشناسی ارشد رشته فقه و حقوق جزا تحت عنوان "ادله و عوامل رافع مسئولیت کیفری بیماران دو قطبی" و تعداد واحد: ۴ در تاریخ ۹۸/۸/۱۲ با حضور اعضای هیات داوران (به شرح ذیل) تشکیل گردید. پس از ارزیابی توسط هیات داوران پایان نامه با نمره ۱۸/۲۵ به حروف هجده و یک بیستم درجه خیب خوب مورد تصویب قرار گرفت.		
امضاء	نام و نام خانوادگی	عنوان
	دکتر حمید روستائی	استاد/ استادان راهنما:
	دکتر محمد رضا رحمت	استاد/ استادان مشاور:
	دکتر سیداحمد میرخلیلی	داور:
	دکتر نفیسه متولی زاد	داور:
نماینده تحصیلات تکمیلی دانشگاه (ناظر) نام و نام خانوادگی: دکتر حسین عابدینی		
	امضاء	

چکیده

بیماری دوقطبی یکی از اختلالات روانی است که فرد بیمار دوحالت کاملاً متضاد را تجربه می‌کند. به عبارت دیگر این بیماری یکی از اختلالات خلقی است که فرد بیمار گاهی در حالت افسردگی شدید به سر می‌برد و گاهی درحالت شیدایی مفرط است که در هردو حالت فرد فاقد اراده است و شرط عقل و اراده را که از شرایط عامه تکلیف است از دست می‌دهد. بنابراین ادله‌ای که دال بر رفع مسئولیت از مجنون است درخصوص بیماران دوقطبی که در مراحل حاد بیماری قرار می‌گیرند، قابل استناد است زیرا چنین فردی یا عنوان جنون دائم را دارد و گاهی معنوی به عنوان جنون ادواری است و گاهی مسلوب الاراده می‌باشد. لذا قانون‌گذار نیز در ماده ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی بیماران روانی فاقد اراده را از دایره مسئولیت کیفری خارج نموده است. دراین پژوهش برآنیم ضمن تبیین ماهیت بیماری دو قطبی و انواع آن ادله رافع مسئولیت کیفری را مورد و بررسی و مذاقه قرار دهیم. چرا که در برخی از موارد این بیماران اساساً مسئولیت کیفری ندارند و در مواردی نیز این بیماری می‌تواند به عنوان عامل تخفیف مجازات در نظر گرفته شود. این پژوهش به روش توصیفی – تحلیلی تدوین یافته و جمع آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای صورت گرفته است.

واژگان کلیدی: بیماری دوقطبی، مسئولیت کیفری، مجازات، جنون، محجور، عوامل رافع مسئولیت

کیفری.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه.....
۱.....	الف - تبیین موضوع.....
۳.....	ب - اهمیت و ضرورت تحقیق.....
۳.....	پ - اهداف تحقیق.....
۳.....	ت - سابقه تحقیق.....
۴.....	ث - سوالات پژوهش.....
۵.....	ج - فرضیه‌های پژوهش.....
۶.....	ح - روش تحقیق.....
۶.....	خ - ساماندهی تحقیق.....
فصل اول: کلیات و مفاهیم	
۸.....	۱-۱- مسئولیت.....
۸.....	۱-۱-۱- معنای لغوی مسئولیت.....
۸.....	۱-۱-۲- معنای اصطلاحی مسئولیت.....
۹.....	۱-۱-۳- انواع مسئولیت.....
۹.....	۱-۳-۱-۱- مسئولیت مدنی.....
۱۰.....	۱-۳-۱-۱-۱- مسئولیت انتظامی.....
۱۰.....	۱-۳-۱-۱-۲- مسئولیت کیفری.....
۱۱.....	۱-۱-۴- شرایط مسئولیت کیفری.....
۱۱.....	۱-۴-۱-۱- ادراک.....
۱۲.....	۱-۴-۱-۲- اختیار.....
۱۲.....	۱-۱-۵- عوامل رافع مسئولیت کیفری.....
۱۳.....	۱-۵-۱-۱- کودکی.....
۱۴.....	۱-۵-۱-۲- اجبار.....
۱۵.....	۱-۵-۱-۳- اشتباه.....
۱۵.....	۱-۵-۱-۴- مستی.....
۱۷.....	۱-۵-۱-۵- خواب و حالت های مشابه.....
۱۸.....	۱-۵-۱-۶- جنون.....
۲۰.....	۱-۵-۱-۶-۱- اقسام جنون.....
۲۲.....	۱-۵-۱-۶-۲- جنون امری بسیط یا مشکک.....
۲۲.....	۲-۱- اختلال های روانی مرتبط باجنون.....

۲۵	 اسکیزوفرنی ۱-۲-۱
۲۶	 اسکیزوتایپال ۱-۲-۲
۲۷	 اختلال شخصیت ضد اجتماعی ۱-۲-۳
۲۹	 افسردگی ۱-۲-۴
۲۹	 اختلالات هذیانی ۱-۲-۵
۳۰	 زوال عقل ۱-۲-۶
۳۱	 عقبماندگی ذهنی ۱-۲-۷
۳۲	 اختلال شخصیت پارانوئید ۱-۲-۸
۳۲	 اختلال شخصیت اسکیزوئید ۱-۲-۹
۳۳	 دمانس ودلیریم ۱-۲-۱۰
۳۵	 اختلال دوقطبی ۱-۲-۱۱
۳۶	 علائم اختلال دوقطبی ۱-۱۱-۲-۱
۴۵	 انواع اختلال دوقطبی ۲-۱۱-۲-۱
۴۸	 سیر بیماری دوقطبی ۳-۱۱-۲-۱
۵۰	 درمان اختلال دوقطبی ۴-۱۱-۲-۱

فصل دوم: مسئولیت کیفر بیماران دوقطبی وادله آن در فقه

۵۳	 شرایط عامه تکلیف ۱-۲
۵۴	 بلوغ ۲-۱-۱
۵۴	 بلوغ در لغت ۱-۱-۱-۲
۵۴	 بلوغ از نظر آیات قرآن ۲-۱-۱-۲
۵۵	 بلوغ در روایات ۳-۱-۱-۲
۵۸	 قدرت ۲-۱-۲
۵۹	 عقل ۲-۱-۳
۶۲	 عوامل رافع مسئولیت کیفری در فقه امامیه ۲-۲
۶۲	 مضمون حدیث رفع ۲-۲-۱
۶۳	 بررسی سند حدیث رفع قلم ۲-۲-۲
۶۴	 مراد از رفع ۲-۲-۳
۶۵	 عوامل رافع مسئولیت براساس حدیث رفع ۲-۲-۴
۶۶	 جنون ۱-۴-۲-۲
۶۶	 ضابطه تشخیص مصادیق جنون ۱-۱-۴-۲-۲
۶۷	 درجات جنون ۲-۱-۴-۲-۲
۶۷	 مفهوم عتّه و مَعْتُوّه ۳-۱-۴-۲-۲

۶۹	۲-۲-۴-۱-۴- جنون مفهومی در برابر عقل
۶۹	۲-۲-۴-۱-۵- ادله فقهی رافع مسئولیت مجنون
۷۲	۲-۳- جنون واختلال دوقطبی
فصل سوم: مسئولیت کیفری بیماران دوقطبی در حقوق موضوعه	
۷۵	۳-۱- عوامل رافع مسئولیت
۷۵	۱-۱-۳- موارد مشابه اسباب رفع وتفاوت آنها
۷۶	۲-۱-۳- بررسی عوامل رافع مسئولیت کیفری در حقوق ایران
۷۶	۳-۱-۲-۱- اجبار واکراه
۷۷	۳-۱-۲-۲- اضطرار
۷۸	۳-۱-۲-۳- جهل و اشتباه
۸۰	۳-۱-۲-۴- صغر
۸۱	۳-۱-۲-۵- خواب و بیهوشی
۸۲	۳-۱-۲-۶- مستی
۸۳	۳-۱-۲-۷- جنون
۸۳	۳-۱-۲-۷-۱- جایگاه جنون در قانون
۸۵	۳-۱-۲-۷-۲- جنون در روانشناسی و پزشکی
۸۸	۳-۱-۲-۷-۳- تشخیص جنون
۸۹	۳-۱-۲-۷-۴- شروط تحقق جنون رافع از مسئولیت کیفری
۸۹	۳-۱-۲-۷-۵- مفهوم درجه جنون در قانون
۹۱	۳-۱-۲-۷-۶- آثار جنون
۹۲	۳-۱-۲-۷-۷- مسئولیت کیفری مجانین در قوانین جزایی
۹۵	۳-۲- تخفیف در مجازات بیماران مبتلا به درجات خفیف اختلال دوقطبی
۹۶	۱-۳-۲- کیفیات مخففه
۹۶	۳-۱-۱- معاذیر قانونی تخفیف دهنده
۹۷	۳-۱-۲- کیفیات مخففه قضایی
۹۷	۲-۳-۲- محدوده اعمال کیفیات مخففه
۹۹	۳-۲-۳- کیفیات مخففه مؤثر در مجازات
۱۰۰	۳-۳- مجازات مبتلایان دوقطبی در جرائم مختلف
۱۰۱	۳-۴- خلاء در رویه قضایی وقانون
۱۰۳	۳-۵- اختلالات شایع در زندانیان
۱۰۶	نتیجه گیری وپیشنهادات
۱۱۰	منابع وماخذ

مقدمه

از مباحث مطرح شده در حقوق جزا و جرم‌شناسی بحث عوامل رافع مسئولیت کیفری است. قانون‌گذار بنا بر مصلحت جامعه در موارد مختلف قوانینی را جهت رفع مسئولیت کیفری برخی از اشخاص که در شرایط خاصی قرار یکی دارند، بنیان نهاده است. از جمله این موارد جنون و بیماری‌های روانی است که در فصل دوم از بخش چهارم کلیات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به آن پرداخته شده است.

در این پژوهش ما بر آنیم تا ضمن بررسی ادله و عوامل رافع مسئولیت کیفری بیماران دوقطبی که از جمله افراد بیماران روانی محسوب می‌شوند، به بررسی فقهی این عوامل و چگونگی رفع مجازات از این دسته افراد در فقه امامی بپردازیم.

الف - تبیین موضوع

با گذر زمان، اختلال‌های روانی متعددی در بین افراد جوامع گسترش پیدا کرده و روزبه‌روز تعداد افراد مبتلا به این اختلال‌ها بیشتر می‌شود و حتی اختلال‌های بیشتری توسط علوم روانشناسی شناخته و مورد توجه قرار می‌گیرد. اختلال‌های روانی باعث ایجاد عدم تعادل در رفتار و گفتار فرد مبتلا به آن شده و باعث تغییر در روال عادی زندگی آنان می‌شود.

با توجه به وضعیت خاص این دسته از بیماران که می‌تواند نقطه ضعفی برای این افراد تلقی شود و در جامعه موقعیت آسیب‌پذیری داشته باشند، وظیفه قانون‌گذار جلوگیری از ورود این‌گونه افراد مسلوب الاراده و ناقص‌العقل در عرصه‌هایی از جمله مالی است که علت آن، حفظ حقوق و منافع اشخاص است. این منع از این حیث جنبه حمایتی دارد. این حمایت از طرفی شامل فرد ممنوع، مسلوب الاراده و ناقص‌العقل است و از طرفی مشمول افراد، جامعه و اقتصاد حاکم است. مبتلایان دوقطبی از جمله بیماران روانی هستند که با توجه به ویژگی‌های این بیماری، نیاز مبرمی به قوانین حمایتی دارند. اختلال دوقطبی یا افسردگی شیدایی نوعی اختلال خلقی و بیماری روانی است که افراد مبتلا به آن دچار تغییرات شدید خلق می‌شوند. عموماً افراد مبتلا از نشانه‌های آن بی‌اطلاع هستند. شروع بیماری معمولاً با دوره‌ای از افسردگی می‌باشد و پس از یک یا چند دوره از افسردگی دوره شیدایی بارز می‌شود. در واقع مشخصه این بیماری نوسان شدید

خلق و خو شامل حالت های هیجانی بالا (مانیا) و پایین (افسردگی) است و گاهی در طول بیماری، فرد دارای توهم و تفکرات خودکشی خواهد بود.

قانون گذار در ماده ۱۲۰۷ قانون مدنی، صغار، غیررشید و مجانین را محجور دانسته است. با این که تردید در ضعف عقل، اراده و قصد بیماران روانی نداریم در فقه و قانون مدنی ایران بیماران روانی از جمله بیماران دو قطبی را جزء دسته هیچکدام از انواع محجوران قرار نداده اند. تنها در ماده ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بیان شده «هرگاه مرتکب در زمان ارتکاب جرم دچار اختلال روانی بود به نحوی که فاقد اراده یا قوه تمیز باشد مجنون محسوب می شود و مسئولیت کیفری ندارد». هرچند این ماده بیماران روانی را مجنون محسوب کرده است ولی باید به این نکته توجه داشت که خود کلمه جنون در قانون ما مبهم است و تعریفی از آن ارائه نشده است و با توجه به عدم تعریف آن و همچنین عدم ذکر نشانه ها و علائم مشخص، زمینه اختلاف آراء قضایی در پرونده های یکسان به وجود آمده است. لذا به نظر می رسد در دیدگاه فقها و حقوقدانان، مبتلایان به اختلال دو قطبی، از حیث اراده و عقل و وجود توهمات و هذیان ها و خروج از حالت تعادل عقلی، نسبت به دیگر عوامل حجر اشتراک بیشتری با جنون دارند. لازم است این افراد نیز مورد توجه قانون گذار قرار گرفته و مقررات حمایتی برای آنها در نظر گرفته شود و در عین حمایت، کمترین آسیب را برای آنها به همراه داشته باشد. این حمایت می تواند شامل تخفیف یا معافیت از مجازات یا ممنوعیت تصرفات و استیفاء در امور مالی باشد.

در این پژوهش بررسی می کنیم که دامنه مفهومی جنون و اختلال دوقطبی چیست؟ معیارهای پذیرفته شده نزد فقها و حقوقدانان برای جنون شامل چه مراتبی از اختلال دوقطبی می شود؟ و چگونه می توان مبتلایان به اختلال دو قطبی را با توجه به فقه، حقوق و علم روانشناسی ملحق به موارد حجر (جنون) و این بیماری را رافع مسئولیت کیفری دانست تا فلسفه وجودی قوانین در مورد عدالت و حمایت از افراد جامعه محقق شود و وضعیت حقوقی روشنی برایشان به وجود آورد.

ب - اهمیت و ضرورت تحقیق

آمارها نشان از آن دارد که بسیاری از زندانیان مبتلا به انواع بیماری‌های روانی هستند. علی‌رغم ابتلای آن‌ها به این بیماری‌ها، برای آن‌ها مجازات‌هایی برابر با آنچه برای افراد عادی است در نظر گرفته می‌شود. لذا توجه به بیماری آن‌ها و در نتیجه معافیت آن دسته از افرادی که بیماری به حد جنون رسیده باشد از مجازات و در نظر گرفتن اقدامات تأمینی برای آن‌ها ضروری است. همچنین اصلاح قانون در جهت مسئولیت نقصان یافته برای مجرمانی که بیماری آن‌ها کمتر از جنون است ولی مؤثر در ارتکاب است، لازم است. ضرورت این موضوع از چند جهت است. یکی اجرای عدالت نسبت به این افراد و جلوگیری از تشتت آراء و دیگری جلوگیری از ارتکاب مجدد جرم از طرف این افراد. چراکه زندان سبب تشدید بیماری و در نتیجه تکرار جرم خواهد شد.

پ - اهداف تحقیق

این پژوهش قصد دارد ماهیت بیماری دوقطبی و تأثیر آن در ادراک و اراده فرد بیمار را نشان دهد. با معلوم شدن این تأثیر و ادله رافع مسئولیت کیفری این بیماران، مسئولیت از دوش این افراد برداشته شده و یا حداقل تقلیل می‌یابد. در نتیجه عدالت کیفری به نحو دقیق‌تر و بهتری به اجرا درخواهد آمد.

ت - سابقه تحقیق

با توجه به بررسی‌های به عمل آمده اگرچه در مورد ادله و عوامل رافع مسئولیت بیماران دوقطبی، منبع و کتاب مستقلی وجود ندارد، اما کتاب‌ها مقاله‌ها و پایان‌نامه‌هایی به صورت مجزا به دو موضوع عوامل رافع مسئولیت و بیماری دوقطبی پرداخته‌اند. در این راستا می‌توان به کتاب نکاتی درباره افسردگی و بیماری دوقطبی منتشر شده در سال ۱۳۸۸، به قلم آنژلا حمیدیا و کتاب اختلال دوقطبی و افسردگی نوشته واتسال تاکار نشر ۱۳۸۹ اشاره نمود. هردوی این کتاب‌ها به جنبه روانپزشکی بیماری دوقطبی پرداخته‌اند.

همچنین در خصوص اختلال دوقطبی و عوامل رافع مسئولیت کیفری پایان‌نامه‌های متعددی نوشته شده از جمله همبودی اختلال دوقطبی نوع یک و اختلال‌های شخصیت، سیمای بالینی بیماران دوقطبی نوع یک و بدون اختلال شخصیت به قلم مهران جوکار در سال ۱۳۹۰. این پژوهش در مورد سایر بیماری‌های روانی که ممکن است همراه با اختلال دوقطبی ظاهر شوند و همزمان با آن بیمار را گرفتار کنند نوشته شده است. عوامل رافع مسئولیت کیفری در اسناد بین‌المللی با نگاهی به حقوق ایران، نیز پایان‌نامه دیگری است که توسط المیرا پشاوند پاک در سال ۱۳۹۱ نوشته شده است. این پژوهش به بررسی عوامل رافع مسئولیت کیفری در اساسنامه‌های دادگاه‌های بین‌المللی و دیوان بین‌المللی کیفری پرداخته است. در مورد جنون که بخشی از مباحث این پژوهش است، مقالات متعددی در حقوق کیفری نوشته شده است، به عنوان مثال بررسی مفهوم جنون و مسئولیت کیفری مجانین در فقه و قوانین جزایی ایران، نوشته شده توسط کیوان حیدر نژاد در سال ۱۳۹۴ که به بررسی مسائل مربوط به جنون از جمله تاثیر زمان ابتلای آن در مجازات پرداخته است و همچنین جنون به عنوان عامل رافع مسئولیت کیفری در حقوق ایران و انگلستان نوشته سید محمد حسینی و امیر اعتمادی در سال ۱۳۹۴. در این مقاله به چگونگی احراز جنون و شرایط آن پرداخته شده است. تمام این کتاب‌ها و مقالات به بررسی مباحث جزئی این پایان‌نامه پرداخته اند به گونه ای که در هیچکدام از آن‌ها بحث مورد نظر یعنی بیماری دوقطبی به عنوان یک عامل رافع مسئولیت مطرح نشده‌اند. این پژوهش قصد دارد به این بیماری از منظرهای مختلف پزشکی، فقهی و حقوقی بپردازد و نتیجه حاصله مجموع و ترکیبی از این مباحث باشد.

ث - سوالات پژوهش

در این پژوهش سعی بر آن است تا به سؤالات ذیل پاسخ داده شود:

۱. سوال اصلی:

ادله و عوامل رافع مسئولیت کیفری بیماری دو قطبی چیست؟

۲. سوالات فرعی:

الف) ماهیت اختلال دوقطبی چیست؟

ب) عوامل رافع مسئولیت کیفری بیماران دوقطبی در فقه و قانون چیست؟

ج - فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی:

ملاک حجر در جنون، فساد عقل و مختل بودن اراده است که از ویژگی های اختلال دوقطبی نیز محسوب می‌شود. به نظر می‌رسد، این وحدت ملاک و همچنین برخی علائم مشترک بین جنون و بیماری دوقطبی، سبب داخل دانستن این اختلال در جنون و در نتیجه رفع مسئولیت کیفری خواهد بود.

فرضیه‌های فرعی:

الف) افسردگی شیدایی یا اختلال دوقطبی یک اختلال مغزی می‌باشد که سبب تغییرهای غیر معمول در خلق، انرژی و کارایی فرد می‌شود. در واقع نوعی اختلال خلقی و بیماری روانی محسوب می‌شود. در افسردگی دوقطبی، عود حمله های افسردگی و شیدایی، سبب بی‌ثباتی در رفتار، تصمیم‌گیری و مسئولیت‌پذیری فرد است. بیمار اغلب یک یا چند دوره افسردگی را تجربه کرده و پس از آن، دوره شیدایی را تجربه می‌کند. گاهی بسیار غمگین و ناامید است و گاهی بسیار سرخوش و پرانرژی. این اختلال شامل سه نوع یا درجه می‌باشد که بر اساس شدت افسردگی و شیدایی، درجه‌بندی می‌شود.

ب) حدیث رفع قلم از جمله احادیث مهم فقهی است که در بسیاری از ابواب فقهی به مضمون این حدیث به عنوان قانون و قاعده کلی استناد شده است. مطابق این حدیث مسئولیت از دیوانه، کودک و نائم برداشته شده است. بیماران دوقطبی از حیث ملاک ادراک و تمیز در گروه مجانین قرار می‌گیرند. در نتیجه مطابق این حدیث از ایشان رفع مسئولیت خواهد شد.

از منظر قانون‌گذار نیز جنون در مواضع مختلف، موجب رفع مسئولیت کیفری است. و چنانچه بیماری دوقطبی به حد جنون برسد به گونه ای که فرد فاقد قدرت تمیز باشد مسئولیت از وی رفع خواهد شد.

ح - روش تحقیق

این پایان نامه به روش توصیفی - تحلیلی است و جمع آوری اطلاعات به روش کتابخانه ای می باشد. ضمن آن که از تمامی ابزارها، نرم افزارها و لوازم رایانه ای و پایگاه های اطلاع رسانی نیز بهره خواهیم برد.

خ - ساماندهی تحقیق

این تحقیق در سه فصل تنظیم شده است که به شرح زیر است.

فصل اول که شامل مفاهیم کاربردی در این پژوهش، از جمله مفاهیم حقوقی، فقهی و روانشناسی مرتبط است.

در فصل دوم چگونگی رفع مسئولیت کیفری بیماران دوقطبی از نظر فقهی بررسی شده است.

فصل سوم نیز به بررسی وضعیت حقوقی بیماران دوقطبی و در نهایت نتیجه گیری و پیشنهاداتی درباره آن ها پرداخته است.

فصل اول

کلیات و مفاهیم

در این فصل به بیان مفاهیم مسئولیت و همچنین عوامل رافع آن از جمله جنون، خواهیم پرداخت.

همچند
همان جنون دوقطبی بیان خواهد
شد.

۱-۱- مسئولیت

مسئولیت همراه با آزادی اراده است و هر جامعه ای به ناچار بایستی ابتدا این آزادی را بشناسد و نهایتاً برای آن محدوده‌ای تعریف کند. تجاوز از این حد سبب ایجاد مسئولیت می‌گردد. مسئولیت به طور کلی شامل دونوع مدنی و کیفری می‌باشد.

۱-۱-۱- معنای لغوی مسئولیت

مسئولیت متشکل از ریشه «س أ ل» و به معنای وظایف، اعمال و افعالی می‌باشد که برعهده انسان واقع شده است و در رابطه با آن از وی سوال می‌شود. مسئول نیز به معنای پرسیده شده و خواسته شده می‌باشد (عمید، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۱۷۹۸). در حقوق نیز برخی اشخاص مسئولیت را به مفهوم تکلیف، وظیفه و آنچه انسان عهده دار آن شود می‌دانند. (ولیدی، ۱۳۶۶، ص ۱۵)

۱-۱-۲- معنای اصطلاحی مسئولیت

واژه «مسئولیت» به معنای رابطه‌ای حقوقی است که ناشی از فعل یا ترک فعلی زیانبار می‌باشد (لنگرودی، ۱۳۸۱، ج ۵، ص ۳۳۲۵). برخی دیگر از حقوقدانان علاوه بر این تعریف که شامل مسئولیت مدنی و کیفری می‌شود، اقسام دیگری از مسئولیت به نام های «مسئولیت اخلاقی» (ولیدی، ۱۳۶۶، ص ۲۷)، «مسئولیت انضباطی و اداری» و «مسئولیت صنفی» (ساکي، ج ۲، ص ۱۶) را نیز ذکر کرده‌اند.

۳-۱-۱- انواع مسئولیت

بنابر مسئولیت و ضمانی که برای فرد ایجاد می‌شود اعم از مالی و کیفری، مسئولیت به انواع مختلفی تقسیم می‌شود.

۱-۳-۱-۱- مسئولیت مدنی

مسئولیت مدنی هنگامی به وجود می‌آید کسی مستلزم به ترمیم نتایج خسارتی باشد که به دیگری وارد آمده است. مسئولیت مدنی به معنی خاص دو شکل است. مسئولیت عهده‌ی یکی از آن‌ها و دیگری مسئولیت قهری یا به عبارت دیگر ضمان ناشی از عقد و ضمان ناشی از قانون است.

زمانی که فرد وظیفه‌ای قانونی را نقض کند و در اثر آن به دیگری زیان برسد، مسئولیت قهری به وجود می‌آید. این مسئولیت شامل دونوع است که عبارت‌اند از: مسئولیت قهری به معنی اخص و آن زمانی است که به طور مثال راننده که به علت کینه‌ای که با فرد عابر پیاده دارد به صورت عمدی به وی آسیب برساند. این عمل جرم بوده و می‌توان مسئولیت ایجاد شده را مسئولیت کیفری نیز نامید. نوع دوم این مسئولیت، مسئولیت شبه جرم است. مسئولیت شبه جرم در اثر بی احتیاطی مباشر به وجود می‌آید. به عنوان مثال حادثه‌ای که در اثر سرعت زیاد و غیر مجاز به وجود آمده باشد.

ضمان عهده‌ی زمانی به وقوع می‌پیوندد که یکی از متعهد و متعهدله به تعهد خود عمل نکرده و در اثر این عدم اجرای تعهد خسارتی به وجود آید (حسینی نژاد، ۱۳۸۹، ص ۲۶-۲۴)

سه نوع مسئولیت مدنی وجود دارد که تفاوت آن‌ها در فعل زیان آوری است که سبب وجود آن‌ها می‌شود. رایج‌ترین نوع آن مسئولیت در اثر فعل شخص است که حقوق عمومی مسئولیت را تشکیل می‌دهد. در این نوع مسئولیت هرکس ضامن و مسئول فعل زیان آوری است که توسط خود او انجام شده است. نوع دوم مسئولیتی است که در اثر عمل زیان بار دیگری، برای فرد حاصل می‌شود. و فرد مسئول باید خسارت وارده توسط دیگری را جبران کند به عنوان مثال فعلی که از کودک سرزده است. و نوع سوم مسئولیت ناشی از حرکت اشیاء است. این اشیاء شامل حیوان یا شیئی بی‌جانی می‌شود که مسئولیت نگهداری و حفاظت از آن‌ها برعهده شخص مسئول بوده است (همان، ص ۳۹).

۱-۳-۲- مسئولیت انتظامی

تقصیر کیفری مستلزم نقض قوانین کیفری است و تقصیر انتظامی عبارت است از زیر پا گذاشتن قانون‌ها خاص که متعلق به گروه‌های کوچک اجتماعی یا حرفه ای می‌باشد درحالی‌که هیچ عمد یا سهوی در ارتکاب آن نباشد. (اردبیلی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۲۳)

۱-۳-۳- مسئولیت کیفری

از مسئولیت کیفری تعاریف مختلفی توسط حقوقدانان ارائه شده است. منظور از مسئولیت کیفری در باب اول کتاب قانون مجازات اسلامی یعنی مواد ۴۹ تا ۶۱ اهلیت تحمل کیفر است که ما از آن به عنوان مسئولیت کیفری یاد می‌کنیم. مسئولیت چهره‌های گوناگونی دارد. از مسئولیت اخلاقی، اجتماعی، شرعی و قانونی گرفته تا مسئولیت مدنی، کیفری، اداری و حتی بین‌المللی. مسئولیت کیفری واژه‌ای فنی و تخصصی است که مختص به حقوق موضوعه است. در کتب فقهی مسئولیت بیشتر تحت عنوان ضمان مورد بررسی قرار می‌گیرد. ضمان در فقه به صورت عام بیان شده و شامل هردو مسئولیت، یعنی مسئولیت مدنی و کیفری می‌شود. مسئولیت دارای معناهای مختلفی از جمله موظف بودن به انجام کاری است. تعهد و التزام جزئی از مفهوم مسئولیت است؛ که در این معنی به معنی قبول تبعات و نتایج بزه می‌باشد. برای مسئول و ملتزم بودن به نتایج اعمال ارتكابی، ارتكاب بزه کافی نیست. بلکه شخص باید دارای اهلیت تحمل تبعات جزایی باشد؛ به عبارت دیگر باید قابلیت انتساب را داشته باشد. قابلیت انتساب مستلزم وجود شرایط و توانایی‌هایی نظیر درک و اختیار است. اشخاص مسئول یعنی کسانی که ضمن ارتكاب جرم دارای قابلیت انتساب باشند و هیچ مانعی در تحمیل مسئولیت کیفری به آن‌ها وجود نداشته باشد. این اشخاص دارای مسئولیت قضایی هستند. اشخاص غیر مسئول کسانی هستند که دارای شرایط و وضعیت روحی و روانی هستند که اعمال آنان ناشی از درک و اختیار کامل نمی‌باشد نظیر مجانین و صغار، این اشخاص دارای مسئولیت جرم شناختی هستند. این نوع مسئولیت می‌تواند یک اقدام تامینی به منظور پیشگیری از جرم و به منظور حفاظت از جامعه صورت گیرد. در حقوق کیفری فعلی، پیامدها و آثار کیفری رفتار مجرمانه به دوشکل مجازات و اقدامات تامینی ظاهر می‌شوند. (حسینی‌نژاد، ۱۳۸۹، ص ۸۵ و ۸۶)